روزنامه شرق
چاپ دوم
سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۳۹۷ • ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۳۹ • ۳۱ جولای ۲۰۱۸
سال پانزدهم • شماره ۳۲۰۸ • ۱۶صفحه • ۲۰۰۰ تومان

جهانگیری:

وضعیت اقتصادی پیش روی کشور دائمی نیست

گروه سیاست: معاون‌اول رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، گفت: «در شرایط جدید پیش‌روی کشور باید از زندگی آحاد جامعه مراقبت کنیم و اجازه ندهیم که وضعیت معیشتی مردم و به‌خصوص طبقات...

صفحه ۲

از سوی برخی اعضای مجمع صورت گرفت:

تکذیب شایعه درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

گروه سیاست: شایعه درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تکذیب شد. آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی که ماه‌هاست درگیر بیماری است و در برخی جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام هم شرکت نمی‌کند، چند ماه گذشته برای معالجه به آلمان سفر کرده...

صفحه ۲

«شرق» یک پرونده تخلف گسترده وارداتی را بررسی می‌کند

۱۳۰ میلیون دلار «فساد گلاسه‌ای»

صفحه ۵

در آستانه تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران، ترامپ اعلام آمادگی کرد

دیدار با روحانی بدون پیش‌شرط

صفحه ۲

تیترها

اولین فرمانده سپاه درگذشت

صفحه ۶

بچه‌داری گران شد

صفحه ۱۳

فعالان اصلاح‌طلب و اصولگرا از دولت درخواست کردند

شکستن قفل سکوت

صفحه ۲

تیترها

محسنی‌اژه‌ای با اشاره به دستگیری جزایری:

پرونده و متهم به تهران احاله می‌شوند

صفحه ۶

چیدمان جدید تلویزیون

صفحه ۲

ملک سلمان روی دست ولیعهد

صفحه ۷

طعم دموکراسی پس از دیکتاتور

صفحه ۷

رمز قهرمانی ایران ۵ مسابقه و ۶ میلیون دلار

صفحه ۱۴

حرف اول

سخنی با سردار حاج‌قاسم سلیمانی

محمدجواد حجتی‌کرمانی

۱- سردار قاسم سلیمانی به معرفی نیازی ندارد. ایمان و اخلاص و شجاعت و نیز دوری او از مخاصمه‌ها و موضع‌گیری‌های رایج سیاسی، مشهود عام و خاص است. خدماتی که این سردار رشید در سمت فرماندهی «لشکر ثارالله»(ص) در هشت سال دفاع مقدس کرده و نیز فعالیت‌ها و رشادت‌های چشمگیری که در فرماندهی «سپاه قدس» در بیرون از مرزها، ازجمله عراق و سوریه و... داشته است، زبانزد همه هواداران انقلاب، اعم از ایرانی و غیرایرانی است.

۲- در شرایط حاد کنونی کشور که از یک‌سو با مشکلات بی‌سابقه اقتصادی و اجتماعی مواجه‌ایم و انسجام ملی در شرایط خطیری قرار گرفته است و از سوی دیگر دشمنان دیرینه انقلاب اسلامی از جمله دولتیان جنگ‌طلب آمریکا و نیز تفاله‌های ناجوانمرد ایرانی آنها، عزم را جزم کرده‌اند که آخرین تیرهای آتشین خود را با هدف نابودی ایران و انقلاب رها کنند -که البته به یاری خدا و درایت رهبری و مسئولان انقلاب، تیرشان به سنگ خواهد خورد- بر ماست که اعم از لشکری و کشوری و نظامی و غیرنظامی، ارتشی و سپاهی و بسیجی و خطبای جمعه و صداوسیما و روزنامه‌ها و... و همه آحاد مردم با صبر و حوصله، متانت و بردباری و دوراندیشی و تدبیر، همراه با امید به نصرت الهی همه راه‌هایی را که ما را از شر و خطر جنگ خانمان برانداز احتمالی نگهداری می‌کند، با همفکری، همراهی و همکاری بررسی کنیم؛ چراکه اولیای دین، به‌ویژه رسول‌اکرم(ص) و حضرت امام علی(ع) و امام حسین(ع) در همه -آری همه- جنگ‌ها، هرچه می‌توانستند سعی می‌کردند از جنگ جلوگیری کنند. از حضرت رسول و حضرت علی که بگذریم به امام حسین(ع) می‌رسیم. ایشان نخستین روزی که از مدینه حرکت کردند تا مکه و کربلا، همه‌جا، راه را برای اجتناب از جنگ باز گذاشتند؛ پیشنهاد کردند به یمن بروند یا به شام بروند و سرانجام حتی شب عاشورا هم در محلی میان دو لشکر با عمر سعد، فرمانده دشمن، به سخن نشستند تا جنگ نشود و یارانشان را نیز برای اجتناب از جنگ آزاد گذاشتند... . انقلاب ما نیز از عاشورای حسینی(ع) الهام گرفته است؛ بنابراین ما که پیرو امام حسین(ع) هستیم باید صبر و حوصله، متانت، دوراندیشی، تدبیر و کاردانی و مصلحت‌سنجی امام علیه‌السلام را از نظر دور نداریم و طبق آن عمل کنیم.

ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

حمله به نفت‌کش عربستان، واقعی یا جعلی؟

نعمت احمدی

داستان حمله حوثی‌های یمن به دو نفت‌کش حامل نفت سعودی از همان ابتدا مشکوک بود و خبر بعدی که عربستان ارسال نفت از تنگه باب‌المندب را به کلی متوقف کرده است، بر شک قضیه می‌افزود. اگر خاورمیانه، قلب جهان صنعتی فرض شود، باید تنگه باب‌المندب و هرمز و کانال سوئز را رگ‌های این قلب دانست. مگر امکان دارد یکی از رگ‌های اصلی آسیب ببیند و قلب به کار خود ادامه دهد و فقط چند سنت بر قیمت نفت افزوده شود؟ باید سه، چهار روز بگذرد تا نادرست‌بودن خبر برملا شود و خوشحال باشیم از اینکه دولتمردان ایران به دام این خبر جعلی نیفتادند. واقعه‌ای از این دست، یعنی انتشار خبری جعلی که جهان را در مسیری دیگر قرار داد، در جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ میلادی نیز اتفاق افتاد و همه اروپا درگیر آن شدند. یک راه‌حل وجود داشت که موازنه به ضرر آلمان به هم بخورد و آن هم ورود آمریکا به عرصه جنگ بود. تئودور روزولت جمله معروفی داشت؛ «غیرممکن است که عکس‌العملی در قبال جنگ جهانی از خود نشان دهیم و این نه‌تنها از روی انسانیت بلکه برای حفظ عزت نفس ملی‌مان است». هرچند ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به‌صورت موردی به انگلیس اجازه داد تا از بنادر آمریکا برای تجهیز نظامی خود استفاده کند و مورخان این عمل را نوعی خروج آمریکا از بی‌طرفی در جنگ جهانی اول می‌دانند. سه سالی از جنگ گذشته بود و ویلسون علاقه به حضور در جنگ اروپایی داشت اما بهانه آن را یک تلگراف که بعدا جعلی‌بودن آن ثابت شد، فراهم آورد. در ژانویه سال ۱۹۱۷ و اوج جشن‌های سال نوی مسیحی، تلگرافی از سوی ارتور زیمرمن، وزیر امورخارجه آلمان از واشنگتن به سفیرکشور آلمان در مکزیک فرستاده شد و در این تلگراف به سفیر آلمان در مکزیک دستور داده بود که از دولت مکزیک بخواهد به نفع آلمان وارد جنگ شود و درعوض، ایالت‌های نیومکزیکو، تگزاس و آریزونا به همراه ایالت‌هایی را که آمریکا به طرق مختلف از چنگ مکزیک درآورده بود، به مکزیک واگذارخواهد کرد. در همین زمان جنگ نامحدود زیردریایی از سوی دولت آلمان در اقیانوس اطلس شروع شد و دولت آلمان هم به همه دولت‌هایی که به متفقین کمک می‌کردند، اعلام کرد اگر کشتی‌های آنها را در آب‌های نزدیک ممالک متفق ببینند، آنها را غرق خواهند کرد؛ یعنی تجارت آمریکا با جهانِ در حال جنگ به مخاطره افتاد. وقایع روسیه و کناررفتن آخرین تزار روسیه هم بر وحشت جهانی افزوده بود. دوم آوریل سال ۱۹۱۷، آغاز ورود آمریکا به جنگ است؛ آمریکایی که از آن تلگراف به وحشت افتاده بود و وودرو ویلسون که خود مشتاق حضور در جنگ بود، به آلمان اعلان جنگ داد و در نطق جنگی خود اعلام کرد جهان باید برای دموکراسی امن‌تر باشد. واژه‌های زیبایی که به‌همراه ترس مردم آمریکا از جنگ و ازدست‌رفتن ایالت‌های جنوبی شوروشوق جنگی را بین جوانان آمریکایی به ارمغان آورد. حدود چهار میلیون آمریکایی و سربازانی که نیروهای فرانسوی و انگلیسی در کوتاه‌مدت آنان را آموزش نظامی دادند، وارد اروپا شدند. ورود آمریکا به جنگ معادله نظامی را برهم زد؛ آلمان شکست خورد و اتریش، عثمانی و مجارستان فروپاشیدند و نقشه دنیا تغییر کرد.

بعد از جنگ مشخص شد که تلگراف را وینستون چرچیل که آن زمان وزیر دریاداری و ناتوان از محافظت از ناوگان تجاری و جنگی انگلیس بود، به قصد تحریک آمریکایی‌ها و ورود آنان به جنگ جعل کرده است.

خبر حمله حوثی‌ها به دو کشتی نفت‌کش عربستانی هم از آن دست خبرهای جعلی بود. نگارنده که اطلاعات اندکی دارد، از همان روز اول بر این باور بود که این خبر جعلی است و سکوت خبری بعدی هم جعلی‌بودن را مشخص می‌کرد. نه تصویری از کشتی‌هایی که مورد حمله قرار گرفتند منتشر شد و نه عربستان و اسرائیل هیاهو به پا کرده و از جهان ناامن نفتی یاد کردند. عربستان از سال‌ها قبل سرمایه‌گذاری عظیمی در احداث خط لوله نفتی از مناطق نفت‌خیز خود به طرف دریای سرخ کرد تا از نظر روانی این‌طور وانمود کند که به تنگه هرمز کمتر وابسته است و می‌تواند روزانه چهار میلیون بشکه نفت را از مسیری غیر از خلیج فارس و تنگه هرمز روانه بازارکند. امارات نیز خط لوله‌ای در حاشیه خلیج فارس و تنگه هرمز تا دریای عمان کشید و مدعی است می‌تواند روزانه بیش از یک میلیون بشکه نفت را بدون وابستگی به تنگه هرمز به بازار عرضه کند. قصه نفت ایران و ادعای اینکه بعد از ۱۳ آبان و اعمال تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا، ایران نخواهد توانست نفت صادر کند و آمادگی عربستان و دیگر کشورها برای تأمین نفت جهان پس از قطع صادرات نفت ایران روی دیگر سکه بود. از طرفی سخنان دکتر روحانی درباره قطع نفت ایران و اینکه اگر ایران نتواند نفت صادر کند، امکان ندارد دیگران هم بتوانند و حمایت از سخنان رئیس‌جمهور از سوی مقامات کشوری و لشکری و سخنان اخیر سردار قاسم سلیمانی، همه و همه شرایط خاصی را به وجود آورد...

ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

حرکت مستانه دلار در سکوت دولت

علیرضا سلطانی
کارشناس اقتصادی

۱- کشتی‌ای را تصور کنید که در دریایی مواج و توفانی بدون اینکه بتواند هدفمند حرکت کند، گرفتار و سرگردان است. موتور این کشتی با وجود داشتن سوخت و در نتیجه برخورد امواج سهمگین، از کار افتاده و ملوانان نیز ناتوان از تعمیر و به‌کنترل‌درآوردن کشتی هستند. باد و امواج، کشتی را به هر سویی در این دریای بیکران می‌برند و سرنشینان کشتی نیز نگران در گوشه‌ای نشسته‌اند، آنها هم که موقعیت بهتری دارند، به هر ابزاری برای راحتی بیشتر دست می‌زنند. این حکایت اقتصاد ایران است؛ اقتصادی که به‌شدت در دهه‌های اخیر در نتیجه بازسازی‌نشدن و نوسازی‌نشدن موتور و ساختار آن، فرسوده و آسیب‌پذیر شده و به خاموشی گراییده است و پویایی، رونق، بهره‌وری و انعطاف نیز در آن دیده نمی‌شود. کار به جایی رسیده که گویی سکان اقتصاد از دست مدیران اقتصادی و سیاسی خارج شده و این تحریم‌های نفتی و فشارهای خارجی به‌مثابه امواج سهمگین، کشتی اقتصاد ایران را به هر طرف که بخواهند سوق می‌دهند. دولتمردان این روزها در انتظار کمک و حمایتی از جزیره‌های دورافتاده هستند، اما خود می‌دانند که این جزیره‌ها یعنی اروپا، چین و روسیه و دیگر کشورها ریسک ورود به دریای توفانی و مواج برای کمک به کشتی ایران را به‌آسانی نخواهند پذیرفت. از سویی خبری از برنامه و اقدامات دولت برای مهار و به‌کنترل‌درآوردن و به معنای واقعی ایجاد و تقویت اعتماد مردم نیست.

۲- در صحنه سیاست خارجی که حوزه اصلی اعتمادساز برای اقتصاد کشور است، گشایش و تحرکی دیده نمی‌شود. گویی همه چشم‌ها به اروپا و بسته بادکنکی آن دوخته شده و عملا خلاقیت و ابتکار عملی در این صحنه از سوی دستگاه دیپلماسی دیده نمی‌شود. چند روزی هم هست که دیپلمات‌ها و نمایندگان سیاسی ایران به کشور فراخوانده شده‌اند تا هماهنگی‌های لازم برای مواجهه با تحریم‌های آمریکا انجام شود. ظاهرا قرار نیست جلوی اجرای تحریم‌ها گرفته شود، بلکه هدف کاهش اثرات اجرائی تحریم و دورزدن آنهاست. درحال‌حاضر دستگاه سیاست خارجی ایران در یکی از منفعل‌ترین دوره‌های تاریخی خود قرار گرفته است و افکار عمومی که تا چند سال پیش به مدد برجام، ارتباط خوبی با این دستگاه پیدا کرده بودند، این روزها کاملا آن را فراموش کرده‌اند و به گرم‌شدن آب از سوی دستگاه سیاست خارجی امیدی ندارند. این در حالی است که نبض اصلی اقتصاد در دستگاه سیاست خارجی باید بزند.

۳- اما در حوزه اقتصادی به نظر می‌رسد کاملا کنترل شرایط از دست دولتمردان خارج شده، اگرچه التهابات و تلاطم‌های اقتصادی مدتی است بر مدار دلار و سکه می‌چرخد؛ اما واقعیت تلخ‌تر از قیمت دلار و سکه، شرایط رکودی بازار کالا و خدمات و مهم‌تر از آن حوزه نگران‌کننده تولید و بازار کار است که با رقص هیجانی بازار ارز و طلا، روزبه‌روز سخت‌تر و وخیم‌تر می‌شود. درحال‌حاضر همه مغمومانه و اندکی خندانه محو تماشای رقص مستانه دلار و سکه هستند و کمتر به لایه‌ها و رنج‌های درونی اقتصاد و به تبع آن بحران‌های اجتماعی توجه می‌کنند؛ اما در این وانفسا کم‌خرج‌ترین و کم‌هزینه‌ترین واکنش، سکوت و نظاره متولیان اقتصادی و سیاسی کشور است، به این امید که شاید کشتی بحران‌زده اقتصاد خودبه‌خود آرام گیرد، اما این سکوت و بی‌تفاوتی مسئولان، درحالی‌که شرایط برای تاراج منابع ملی از سوی عده‌ای اندک و قلیل فراهم است، نتیجه‌ای جز افزایش بی‌اعتمادی مردم و کاهش ظرفیت‌های مقاومت مردم در برابر فشارها و تنگناها ندارد.

۴- راستی چرا کسی استعفا نمی‌دهد؟ فرهنگ استعفا، پذیرش ناکارآمدی و ناکارایی از سوی مدیران و مقاومت‌نکردن در برابر جابه‌جایی مدیران، یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های اجتماعی است که جای آن در ایران خالی است. مراد فقط استعفای مقامات اقتصادی نیست، بلکه مقامات سیاسی در سطوح مختلف و آنها را که مستقیم یا غیرمستقیم در بروز این شرایط تأثیرگذار بوده و هستند، دربر می‌گیرد. در صدر آنها دولت است. استعفا و کناررفتن مرهمی است بر زخم دل مردم. فردی را تصور کنید که دچار بیماری وخیمی است و از دست پزشک معالج او کاری برنمی‌آید؛ تغییر پزشک این امید را در دل او و همراهانش ایجاد می‌کند که شاید درمانی برای دردش پیدا شود. مقاومت دولتمردان در برابر ترک صندلی و پذیرش ناتوانی خود از اعمال مسئولیت را نمی‌توان درک کرد. حداقل استعفا یا تغییر مدیران و مسئولان این است که کورسوی امیدی در دل مردم برای بهبود شرایط ایجاد می‌شود و به‌صورت موقت هم که شده، اعتماد آنها را افزایش می‌دهد. استعفا و جابه‌جایی مسئولات الزاما به معنی پذیرش شکست و جاخالی‌دادن در برابر مشکلات نیست، چه‌بسا این استعفا یا تغییر موجب افزایش محبوبیت و مقبولیت آنها بین افکار عمومی شود. استعفا و جابه‌جایی مدیران، حق مردم است....

ادامه در صفحه ۱۵

سرمقاله

دام‌های اقتصاد ایران

بایزید مردوخی . اقتصاددان

اصلاحات امر ناگزیر امروز ایران است؛ اصلاحاتی که در ایران باید از بوروکراسی شروع شود. دیوان‌سالاری موجود بسیارعقب‌مانده و ناخردگراست. مبانی درست بوروکراتیک در آن رعایت نمی‌شود. یکی از این مبانی، شایسته‌سالاری است. در سه یادداشت گذشته که به‌طور متناوب در سه هفته گذشته منتشر شد، ذیل عنوان «نظام تدبیر»، به بخش‌های مختلف مدیریت و اقتصاد گذری داشتم. امروز از چند تله یاد می‌کنم. عامل بسیار مهمی که امکان ادامه حیات بوروکراسی ناکارآمد و ضدتوسعه را فراهم کرده، پدیده‌ای است که «تسخیر دولت»[1] نام گرفته است. بررسی کشورهای مختلف در جهان نشان می‌دهد که هرگاه اعمال نفوذ ناروا در دولت‌ها، چه از درون حاکمیت و چه از جانب گروه‌های ذی‌نفع در برنامه‌ها، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها شدید باشد، احتمال شکست در مقایسه با وضعیت بدون اعمال نفوذ، بیشتر از ۳۰ درصد است و هرگاه اعمال نفوذهای ناروا ناچیز باشد، احتمال شکست از ۱۰ درصد کمتر نخواهد بود. اعمال نفوذ را «بحران نظام تدبیر» یا «بحران خاموش» نامیده‌اند. دولت‌های متناوب در کشور ما (برخلاف مردم عادی و فعالان اقتصادی)، در درک این پدیده غفلت و اهمال کرده‌اند و نسبت به مبارزه با فساد سیاسی اعمال نفوذها، به‌ویژه از نوع نامحسوس آن، یعنی تسخیر دولت و انواع لابی‌گری‌ها کوتاهی کرده‌اند. ژان تیرول، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال گذشته می‌گوید: «اقتصاد بازار به دولتی قوی نیاز دارد، دولت مدرن دولتی است که در برابر لابی‌ها مقاومت می‌کند». در دنیای واقعی و در عمل در همه کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه، دولت‌ها معمولا هویتی یکپارچه و همگن ندارند و از مجموعه تصمیم‌گیران و تکنوکرات‌هایی تشکیل می‌شوند که هرکدام از آنها ممکن است گوشه‌چشمی به منافع خود داشته باشد. جیمز بوکانان، اقتصاددان نامدار، گفته است خود تصمیم‌گیران، اعم از ملی و محلی، هیچ‌گاه از فشار گروه‌های همسویی که دنبال جهت‌دادن و تأثیرگذاری بر سرمایه‌گذاری‌های عمومی به نفع خویش‌اند، مصون نیستند. مسیر دولت‌ها در شرایطی که گروه‌های ذی‌نفع و صاحبان منافع سوداگرانه، در فرایند شکل‌گیری سیاست‌ها و رویکردهای دولتی اثرگذاری منفعت‌طلبانه دارند، می‌تواند به خدشه‌دارکردن اقتدار اخلاقی حکومت‌ها بینجامد.

ادامه در صفحه ۴